



# منطقه گرایی نوین New Regionalism



## اهداف :

- تفاوت منطقه ، منطقه گرایی و نو منطقه گرایی
- ضرورت و دلایل منطقه گرایی
- بررسی رویکرد " نو منطقه گرایی " و تبیین امکان کاربرد آن در نظام مدیریت فضایی ایران
- بررسی مشکلات نظام مدیریت فضایی ایران
- ایجاد فرهنگ سازی و ظرفیت سازی تدریجی با تکیه بر مزیت های رقابتی کشور برای برنامه ریزی و تکامل نظام مدیریتی کشور
- تبیین مفاهیم منطقه گرایی و نو منطقه گرایی New Regionalism

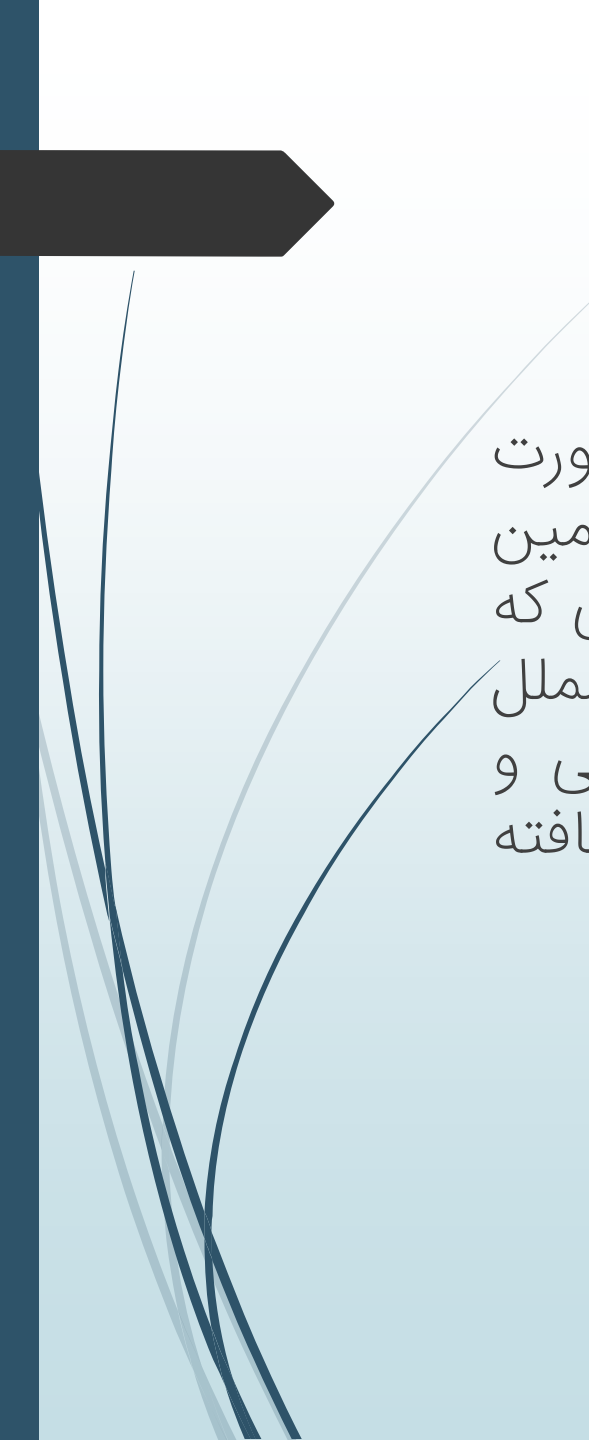
# مفهوم منطقه و منطقه گرایی

به طور کل مناطق را می توان به صورت الگو های روابط و تعاملات در داخل یک ناحیه جغرافیایی تصور کرد که از درجه ای نظم و ترتیب و انسجام برخوردار است ؛ به گونه ای که تغییر در یک منطقه بر سایر نقاط نیز تاثیر می گذارد . مناطق همچنین به لحاظ درجه و میزان انزوا از نظام جهانی ، الگوهای دوستی و دشمنی ، سطح و میزان توسعه یافتگی اعضا ، ماهیت و سرشت نظام های سیاسی اعضا ، شیوه تامین امنیت و ... دارای تفاوت هایی نسبت به یکدیگر هستند .

به این معنا که نظم های منطقه ای برای تامین امنیت خود می توانند طیف گسترده ای را از ترتیبات سنتی که در آن امنیت از طریق توازن قدرت برقرار می شود ، تا اقدامات همکاری جویانه متنوع در سطح مدیریت امنیتی را در بگیرند . ( لیک و مورگان ، ۱۳۹۲ )

## برای تعریف و تعیین منطقه ، تحلیلگران معیار های مختلفی را از جمله موارد زیر بیان کرده اند :

- - خودآگاهی اعضا از این که آنها یک منطقه را شکل داده اند به همراه ادراکات و برداشت های دیگران از اینکه یک منطقه وجود دارد
- - مجاورت و نزدیکی جغرافیایی اعضا
- - شواهدی دال بر وجود میزانی از خود مختاری و تمایز از نظام جهانی
- - تعاملات شدید و منظم میان اعضا و یا وابستگی قابل توجه میان آنها
- - درجه بالایی از قرابت ها و شباهت های سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی میان اعضا (لیک و مورگان، ۱۳۹۲)



این در حالی است که **در نظریه های جدید منطقه گرایی** اگرچه مجاورت جغرافیایی در تعریف منطقه لازم دانسته می شود ، اما به طور کل سرزمین اهمیت و نقش بسیار کمتری در مفهوم منطقه گرایی دارد ، به شکلی که نظریه های سازه انگاری به عنوان نظریه هایی جدید در روابط بین الملل استدلال می کنند که مناطق طبیعی ، از پیش داده شده و یا ذاتی و جوهری نیستند بلکه پدیده هایی اند که به صورت اجتماعی تکوین یافته اند .

# ظهور مناطق و منطقه گرایی نوین

- تغییر و تحولات نظام بین الملل ، زیرسیستم های منطقه ای را نیز متحول و دگرگون میکند . در طول جنگ سرد ، با وجود ساختار دو قطبی فرآیند منطقه گرایی در مناطق مختلف جهان آغاز شد . نخست کشور های اروپایی که خود را در شرایط نوینی دیدند ، فرآیند همگرایی را آغاز کردند . سپس این فرآیند در آمریکای لاتین ، آسیای جنوب شرقی و آفریقا نیز به جریان افتاد .
- منطقه گرایی در مناطق غیر اروپایی ، جهان سوم و کشور های در حال توسعه ، ماهیت ، روند و اهداف مناطق توسعه یافته را نداشت .
- در هر دو منطقه ، هدف اولیه منطقه گرایی ، تامین امنیت و مدیریت امنیت منطقه ای بوده است .
- پایان جنگ سرد نیز نوع متفاوتی از همکاری های درون منطقه ای در حوزه های مختلف سیاسی ، اقتصادی و تجاری را برانگیخت که منطقه گرایی نوین نامیده می شود .
- منطقه گرایی جدید در چهار بعد کارگزاری ، انگیزه ، جهت و گستره از منطقه گرایی قدیم متفاوت و متمایز است .

از نظر کارگزاری و نقش کارگزاران ، بر خلاف منطقه گرایی قدیم که بر نقش دولت ها در ساختار ها و سازه های منطقه ای تمرکز می کند ، منطقه گرایی نوین ناشی از نقش آفرینی طیف وسیعی از بازیگران دولتی ، فردی و اجتماعی در درون و برون منطقه است .

از نظر انگیزه و هدف نیز منطقه گرایی نوین تک بعدی و دارای یک متغیر نیست .

منطقه گرایی نوین یک نوع همگرایی چند بعدی و چند وجهی است که شامل ابعاد اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی می شود و هدفی بسیار فراتر از ایجاد رژیم های تجارت آزاد و ائتلاف های نظامی - امنیتی منطقه ای دارد .

جهت و خط سیر منطقه گرایی جدید نیز از منطقه گرایی قدیم متفاوت است . منطقه گرایی نوین بر خلاف منطقه گرایی قدیم از بالا به وسیله دولت ها یا ابر قدرت ها تحمیل نشده و از ضرورت های تغییر نا پذیر و جبری ساختاری پیروی نمی کند . مناطق به طور خود جوش به وسیله کنش انسانی و رویه ها و کردار های انسانی در شرایط باز تعریف منافع و فرآیند ها ساخته می شوند .

گستره و قلمروی منطقه گرایی جدید نیز گسترش یافته است .



## نو منطقه گرایی :

► در آغاز قرن ۲۱ نو منطقه گرایی ، متفاوت از منطقه گرایی های نخستین که پراکنش برنامه ریزی شده فعالیت ها را هدف قرار داده بودند . در واقع شهر نشینی مجدد و رشد فشرده را مد نظر قرار می دهد .

## خطوط اصلی نو منطقه گرایی :

- تمرکز بر قلمرو های خاص و برنامه ریزی فضایی
- بررسی مشکلات ایجاد شده به وسیله تفرق کلان شهری
- یکپارچه کردن تخصص های برنامه ریزی و مطرح ساختن همه جوانب پایداری ، محیط زیست ، اقتصاد
- اعتقاد به این که رشد کلان شهر بر کل مجموعه مناطق اکولوژیک تاثیر می گذارد
- اهمیت برای طرح های کالبدی ، طراحی شهری ، حس مکان


# منطقه گرایی و نو منطقه گرایی

- ▶ منطقه بیش از آنکه بر اساس مفهوم جغرافیایی تعریف شود ؛ به صورت پهنه ای که "به طور اجتماعی تکوین یافته" تلقی می شود ( جسوپ ، نیومن ، ۲۰۰۳ به نقل از دهقانی فیروز آبادی ، ۱۳۸۸ ) .
- ▶ منطقه را می توان مجموعه ای فراتر از جریان مادی ، ابزاری یا کالایی دانست .
- ▶ شکل گیری هویت منطقه ای و پیوند های اقتصادی - اجتماعی که در آن شکل می گیرد ، تابعی از ساختار اجتماعی و فرهنگی است . این ساختار ها بر اساس چگونگی مشارکت مردم با قومیت های مختلف در یک فضای مشترک جغرافیایی ایجاد شده و همچنین می تواند حس مشترکی از منطقه گرایی را ایجاد کند (کاتزن اشتاین ، ۲۰۰۵ ) .

► محرک های گسترش دهنده روند توسعه منطقه گرایی به دو گروه " محرک های سطح خرد " و " محرک های سطح کلان " تقسیم می شوند .

► گروه نخست ، مربوط به **حوزه های اجتماعی** است . نظریه های همگرایی و کارکردگرایی که مربوط به دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی بوده است نیز به این گروه دلالت دارد .

► گروه دوم ، ترکیبی از **اراده حکومت ها و نهاد های منطقه ای و بین منطقه ای** است . ترکیب این گونه محرک ها می تواند زمینه های مشارکت و همبستگی دولت ها را برای توسعه منطقه ای و انتقال آن به فضای بین منطقه ای ایجاد کند که در این شرایط ، منطقه گرایی محرک های افقی و عمودی دارد . این محرک ها ماهیت سیاسی ، اقتصادی ، ارتباطی و فرهنگی دارند ( کاتزن اشتاین ، ۲۰۰۵ ) .



به هر میزان فرآیند های اقتصادی تنوع بیشتری پیدا کنند ، زمینه برای گسترش همکاری های متنوع تری فراهم شده و از این طریق می توان به نشانه هایی از هویت مشترک توجه کرد . هرگاه همکاری ایجاد شود ، زمینه برای منطقه گرایی فرهنگی - اجتماعی نیز به وجود آمده و از این طریق ، زمینه برای اجتماع منطقه ای ، اجتماع اقتصادی و نیز اجتماع امنیتی ایجاد می شود که این مولفه ها محصول احساس هویت مشترک فزاینده است (بوزان، وور ۲۰۰۳) .

➤ در آمریکا **تلاش های اولیه منطقه گرایی** برای چیرگی بر تفرق سیاسی ، مربوط به **دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰** میلادی است که پارادایم غالب ، یکپارچه سازی حکومت های محلی برای ایجاد حکومت های منطقه ای بود .

➤ **دوره دوم مربوط به دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰** است که پارادایم غالب ، ایجاد شوراهای منطقه ای برای فراهم ساختن ساز و کار های هماهنگی داوطلبانه بین حکومت های محلی و در حوزه های خاص ، مانند برنامه ریزی راهبردی و حمل و نقل بود .

➤ **دوره سوم ، از دهه ۱۹۸۰ به دوره نو منطقه گرایی** معروف است که مستلزم ایجاد ساز و کار های همکاری منطقه ای بین بخش خصوصی - عمومی و در شراکتی متنوع با بخش تجارت ، حکومت و گروه های اجتماع های محلی بوده است ( هنتون ، ۲۰۰۱ ) .

► پس از فرو پاشی اتحاد شوروی و پایان نظام دو قطبی ، روند منطقه گرایی تقویت شد و تعداد شایان توجهی از سازمان های منطقه ای ( اقتصادی ) در این دوران شکل گرفتند .

► بر اساس سازمان تجارت جهانی ، تعداد ترتیب های اقتصادی جهان از ۱۲۰ مورد آغاز به کار این سازمان در سال ۱۹۹۵ ، به ۳۰۰ مورد در پایان سال ۲۰۰۶ رسید ( دامن پاک ۱۳۸۶ ) .

► با توجه به تغییر و تحول ایجاد شده ، روند جدیدی از منطقه گرایی به وجود آمده است که به آن نو منطقه گرایی می گویند که بسیاری از

#### تفاوت منطقه گرایی کلاسیک و نومنطقه گرایی

نومنطقه گرایی	منطقه گرایی کلاسیک
طیف وسیع (دولتی، فردی، اجتماعی)	۱. کارگزاری نقش دولت‌ها
چندبعدی (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ...)	۲. انگیزه و هدف تک‌بعدی (اقتصادی یا نظامی)
از طریق نهادها و توأمان از پایین به بالا و بالا به پایین	۳. جهت از بالا به پایین (بخش دولتی)
یک پدیده عمومی و جهان‌شمول	۴. گستره فقط اروپایی

مأخذ: نگارندگان با استفاده از دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۸

# دلایل و ضرورت های منطقه گرایی در نظام مدیریت فضایی :

- ۱. ایجاد هم افزایی و استفاده از فرصت های جهانی و مزیت های رقابتی منطقه ای در مقیاس جدید سرزمینی که جایگزین دولت - ملت ها در نظام اقتصادی رقابتی جهانی شده است .
- ۲. تقویت و تشدید پیوند های ارگانیک مراکز زیست و فعالیت
- ۳. کاهش رقابت های ستیزه جویانه در تخصیص منابع محدود در منطقه
- ۴. وجود تنوع ، پیچیدگی و وسعت مناطق کلان شهری به عنوان کانون های پیشتاز توسعه منطقه ای و ملی همراه با تفرق مدیریتی در قلمرو های حکومتی و مدیریتی آنها

# حکروایی شایسته و منطقه گرایی

## Good Governance & Regionalism

► در سال ۱۹۸۹، طرح مطالعاتی بانک جهانی به اهمیت حکروایی در تحقق توسعه تاکید کرد. پس از آن سازمان ملل در دومین کنفرانس مربوط به سکونتگاه های انسانی، در سال ۱۹۹۶ در استانبول، شعار خود را "فعالیت جهانی برای حکروایی شهری شایسته" قرار داد و تاکید کرد که شهرهای جهان باید برای استقرار حکروایی شهری قدم بردارند.




# تعریف حکمروایی توسط بانک جهانی که پیشگام در استفاده از این واژه بوده است به شرح زیر است :

حکمروایی مجموعه ای از روش های فردی و نهادی ، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می کند و فرآیندی است که از طریق آن ، منافع متضاد یا متنوع را همساز نموده و اقدام همکاری جویانه اتخاذ می شود .

از این رو ، حکمروایی شامل نهاد های رسمی و غیر رسمی ، بخش های دولتی ، خصوصی و جامعه مدنی است .

بر اساس تعریف دیگری از مطالعات بانک جهانی ، " حکمروایی شایسته به معنی حضور نمایندگان کلیه گروه ها در اجتماع شهری ... و پاسخگویی ، درستی و شفافیت در فعالیت های حکومت محلی ... در تعیین و پیگیری اهداف و اقدام های مشترک است " . ( کمیسیون سکونتگاه های انسانی سازمان ملل ، ۲۰۰۰ ، ۱۹۹ ، به نقل از کاظمیان ، میرعابدینی ، ۱۳۹۰ )



■ در دومین کنفرانس ملل متحد در مورد سکونتگاه های انسانی ، معیار هایی چون پاسخگو بودن ، مسئولیت پذیری ، فراگیر بودن ، مشارکت جویی ، قانون مداری و شفافیت داشتن ، به عنوان ویژگی های حکمروایی شایسته مطرح شد .

■ در نتیجه حکمروایی شایسته ، محیطی ایجاد میشود که در آن شهروندان به طور آزاد و کارا ، امکان برقراری انواع روابط اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی و تصمیم گیری های مرتبط را دارند ، بدون آنکه حقوق دیگران را نقض کنند . به زبان اقتصادی ، در چنین شرایطی ، هزینه های ارتباطی اجتماعی به حداقل می رسد که در نتیجه ، توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی ، به بالاترین سرعت و شتاب می رسد .

➤ مسئله تفرق سیاسی و مدیریتی درون شهر - منطقه های بزرگ ، مقیاس و به ویژه موضوع عدم انطباق فضایی بین واحد های اداری محلی و قلمرو عملکردی - اقتصادی مناطق کلان شهری از دیدگاه های مختلفی چون نظریه انتخاب عمومی ، رویکرد های لیبرال و رادیکال یا مارکسیستی تحلیل شده است . در این زمینه ، دیوید هاروی معتقد است که " مرز های حکومت های محلی ، همیشه با مرز های سیال مناطق منطبق بر بازار های کار و کالای شهری یا تشکیلات زیرساختی انطباقی ندارند و تلاش برای تنظیم و انطباق آن از طریق الحاق ، منطقه ها را بیشتر تفکیک و تجزیه می کنند ؛ بنابراین بیش از آنکه شاهد گرایش به سوی انسجام یابی ساختارمند باشیم ، شاهد از هم پاشی و تکه تکه شدن ( مانند شهر و حومه ) هستیم ( برنر ، ۲۰۰۳ ) .

➤ راهبرد هایی که برای مقابله با تفرق سیاسی ارائه می شوند ، اغلب در مفهومی کلی به " منطقه گرایی " در حکومت و حکمروایی معروف اند که شبکه سازی اجزای از هم گسیخته و مستقل ، و نیز برنامه ریزی و مدیریت مناطق کلان شهری برای کاستن از تفرق و تعدد عوامل تصمیم گیری و اجرایی

# تحولات برنامه‌ریزی منطقه‌ای در جهان

ویژگی‌های اصلی	رویکرد برنامه‌ریزی	دوره زمانی
در چارچوب این رویکرد نسبتاً جامع‌نگر، برنامه‌ریزی منطقه‌ای به دنبال به تعادل رساندن شهر و روستا بود؛ لین رویکرد به دنبال تدوین شاخص‌های کلان و هنجاری بوده و مکان-محوری یکی از ویژگی‌های اصلی این رویکرد برنامه‌ریزی بود؛	منطقه‌گرایی اکولوژیکی	اوایل قرن بیستم
این رویکرد برخاسته از علوم کمی بوده و برنامه‌ریزی منطقه‌ای را عموماً از دیدگاه برنامه‌ریزی اقتصادی دنبال می‌کند؛ لین رویکرد برنامه‌ریزی فاقد چارچوب هنجاری مشخص بوده و به دنبال تحلیل مسائل منطقه‌ای از دیدگاه فضایی است؛	علوم منطقه‌ای	اواخر دهه ۱۹۴۰
این رویکرد در برنامه‌ریزی به دنبال حل مشکلات منطقه‌ای از طریق تحلیل قدرت و جنبش‌های اجتماعی درون مناطق بوده و رویکردی کاملاً هنجاری دارد.	جغرافیایی-اجتماعی	اواخر دهه ۱۹۶۰
توسعه اقتصادی را همراه با برنامه‌ریزی کالبدی و زیست محیطی مورد توجه قرار می‌دهد؛	منطقه‌گرایی جدید	دهه ۱۹۹۰ تاکنون

- ▶ در نتیجه میتوان نو منطقه گرایی را رویکردی تعریف کرد که در پی شناسایی یک منطقه مشخص ( مقیاس آن می تواند از سطح درون کشوری تا سطح بین المللی باشد ) با اهداف گوناگون (شامل اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی ، سیاسی و زیست محیطی ) برای پاسخگویی به مشکلاتی است که از طیفی از عوامل محلی ، ملی و فرا ملی برآمده است .
- ▶ نظام مدیریتی این منطقه به صورت حکمروایی و در برگیرنده تمامی بازیگران ( اعم از دولتی و غیر دولتی ) و از طریق نهاد ها به صورت توامان پایین به بالا و بالا به پایین ، شکل می گیرد .
- ▶ این نکته شایان ذکر است که این رویکرد در نقاط مختلف جهان با توجه به ویژگی های هر مکان و در هر زمان خاص ، در اشکال متفاوتی عملی می شود .

# دو دیدگاه نومنطقه گرایی و جهانی شدن

بسیاری بر این باورند نومنطقه گرایی در دوران پس از جنگ سرد، تلاشی برای مقابله با آثار جهانی شدن و به ویژه آثار منفی آن است. در نتیجه، کشورهای که از تضعیف نقش و جایگاهشان در اثر جهانی شدن نگرانند، با تقویت منطقه گرایی از خود دفاع میکنند.

شکل فرهنگی و اجتماعی این وضعیت نیز مقاومت در برابر گسترش جهانی شدن و ارزشهای نولیبرال سرمایه‌داری از راه تقویت منطقه گرایی است؛ زیرا به باور مارکسیست‌های نوگرا، هژمونی نظام سرمایه‌داری هیچگاه کامل نخواهد شد و همواره مقاومت‌هایی در برابر آن وجود خواهد داشت (گیلز، 2000)

امین در واکنش به فرایند جهانی شدن و همچنین مقابله با انحصارات پنجگانه ( فناوری، مالی، دسترسی به منابع طبیعی زمین، رسانه ها و تسلیحات کشتار جمعی) برخی از قدرتهای جهان ، با تأکید بر چارچوب های منطقی و کارآمد ، منطقه گرایی را پیشنهاد میکند ( امین، 1995 ، 45 به نقل از ساعی، 1385 : 88 – 89 ). در واقع، وی نیز نومنطقه گرایی را در مقابله با فرایند جهانی شدن میداند.

از این دیدگاه، منطقه گرایی بر مشارکت در جهانی شدن اولویت دارد ، چون:

1 . اشتراک منافع، ارزش و هنجار، در سطح منطقه بیشتر از جهان است؛

2 . همکاری منطقهای، آسانتر از همکاری جهانی است؛

3 . همکاری منطقهای، منافع کشورها را بیشتر از جهانی شدن تأمین میکند؛

4 . تأمین صلح و ثبات در سطح منطقهای آسانتر است.

5 . حفظ موازنه درون مناطق جغرافیایی، عملیتر از سطح بینالمللی است.

➤ در مقابل، نظریه پردازانی همچون برتیل اودن و بورن هتنی، منطق‌گرایی را تعدیل کننده فرایند جهانی شدن میدانند (کاپلینسکی، 1994).

➤ مطابق این دیدگاه، منطقه گرایی، از تمهیدات ورود به فرایند جهانی شدن است. برخی بازیگران، قدرت آن را ندارند که به یکباره و مستقیم، درهای خود را به روی روندهای جهانی باز کنند و در جهانی شدن ادغام شوند؛ از این رو میکوشند به تدریج و از راه منطقه گرایی وارد روندهای جهانی شوند تا قادر به مدیریت آثار و پیامدهای منفی جهانی شدن باشند.

➤ از این منظر، منطقه گرایی شکل دیگری از جهانی‌شدن، اما در مقیاس کوچکتر است و بنابراین بازیگران میتوانند با آزمودن توانایی های خود در مقیاس کوچکتر، خود را برای ورود به اقتصاد جهانی آماده کنند.

➤ این نکته به ویژه در مورد اقتصاد کشورهای در حال توسعه مصداق دارد که توان رقابتی آنها کمتر از کشورهای توسعه یافته صنعتی است.

➤ از این منظر، منطقه گرایی فرصتی برای آن دسته از کشورهاست که می خواهند از جهانی شدن بیشترین سود را ببرند و کمترین زیان را متحمل شوند (قهرمانپور، 1388).



در واقع، جهانی شدن از سطوح ملی، فرایندی بسیار طولانی است، زیرا مطابقت قوانین ملی با سطح کلان بین المللی بسیار پیچیده و دشوار است، اما گذار از سطح ملی به منطقه ای و از سطح منطقه ای به سطح جهانی سبب میشود تا بخشی از پیچیدگی های مربوط به سیاستگذاری آماده سازی فرهنگی و ساختاری، در طول روند انتقال از سطح ملی به منطقه ای حل شود و انتقال به سطح جهانی، آسانتر صورت پذیرد (میتلمن، 2000)

در واقع، در این دیدگاه، با تفکر نولیبرال که معتقد است منطقه گرایی موجب افزایش همکاریه ای چند جانبه در سطح جهان می شود، همسو است؛ به بیان دیگر، دیدگاه نولیبرال معتقد است منطقه گرایی، مرحله های طبیعی از فرایند جهانی شدن است و به هیچ روی، مانعی بر سر راه جهانی شدن به شمار نمیرود

# زمینه های قانونی به کارگیری نومنطقه گرایی در ایران

در اهداف و سیاستهای سند چشم انداز و سیاست های کلی برنامه چهارم و پنجم، به مواردی اشاره شده که از طریق آن ها میتوان **بسترهای لازم برای تحقق نومنطقه گرایی** را فراهم آورد (لاله پور و دیگران، 1390)

دست یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی ( شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم افزار و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل؛

- فراهم آوردن زمینه های لازم برای تحقق رقابت پذیری کالاها و خدمات کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی و ایجاد سازوکارهای مناسب برای رفع موانع توسعه صادرات غیرنفتی (سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام)

► بند الف ماده 75 برنامه چهارم توسعه: بهره گیری مناسب از موقعیت و توانمندی های عرصه های مختلف سرزمین، برای توسعه علم و فناوری و تعامل با اقتصاد جهانی از طرق مختلف، از جمله تعیین مراکز و پارک های فناوری، علمی، تحقیقاتی و تخصصی و همچنین تعیین نقش و عملکرد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی؛


► بند ج ماده 43 برنامه چهارم: پیش بینی تمهیدات لازم به منظور بهره برداری حداکثر از ظرفیت های ملی و منطقه ای حوزه های فناوری اطلاعات، فناوری زیستی، زیست محیطی، هوافضا و هسته ای؛

► سند ضوابط ملی آمایش سرزمین: تغییر نقش و عملکرد شهر تهران به عنوان مرکزی با عملکرد بین المللی و شهرهای اصفهان، مشهد، تبریز، شیراز، اهواز و کرمانشاه به عنوان مرکزی با عملکرد فراملی برای پوشش خدماتی درحوزه های جغرافیایی یا عملکردی خاص؛

► - تأکید بر استفاده از ظرفیت های اجتماعی و فرهنگی و علمی استان ها و مناطق کشور، به ویژه شهرهای تهران، شیراز، اصفهان، مشهد، تبریز، اهواز، یزد با محدودکردن توسعه کمی و سطوح پایین آموزش عالی به نفع سطوح بالاتر و ارتقای سطح کیفی مؤسسات آموزش عالی و مراکز پژوهش و فناوری آن ها برای توسعه همکاری های علمی و بین المللی و ایفای نقش واسط بین کشورهای منطقه و کشورهای پیشرفته ؛

► - توسعه و تجهیز گزیده ای از محورهای اصلی ارتباطی کشور در سالن های حمل و نقل بین المللی شمالی - جنوبی و شرقی - غربی کشور به عنوان محورهای اولویت دار توسعه، برای استفاده مناسب از موقعیت ممتاز ارتباطی کشور با تأکید بر تمرکززدایی ارتباطی از تهران و استفاده از مسیرهای جایگزین؛

► - تحول بنیادین در ساختار بخش خدمات و افزایش سهم خدمات نوین و دانش پایه، با تأکید بر توسعه، خدمات پشتیبان تولید، خدمات گردشگری، خدمات بازرگانی، بانکی و بیمه ای، حمل و نقل و ترانزیت و استفاده از فن اوری های نوین



➤ در برنامه چهارم در بند 28 مربوط به ثبات در سیاست خارجی، به سیاست های کلان زیر اشاره شده که به رویکرد تعامل محور دلالت دارد :

➤ 1 . گسترش همکاری های دوجانبه، منطقه ای و بین المللی؛

➤ 2 . ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورها؛

➤ 3 . تقویت روابط سازنده با کشورهای غیر متخاصم؛

➤ 4 . بهره گیری از روابط برای افزایش توان ملی ( سیاستهای ابلاغی برنامه چهارم توسعه، سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام )

در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، افزون بر سیاست‌های تعامل‌گرای اشاره شده در برنامه چهارم توسعه، به چند مورد جدید از نشانه‌های مرتبط با رویکرد تعامل محور برمی‌خوریم که نشان می‌دهد این رویکرد در برنامه پنجم، قویتر از برنامه چهارم است؛ این نشانه‌ها عبارتند از:

1. همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با اولویت کشورهای همسایه (بند 1-39)؛

2. حضور فعال و هدفمند در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای (بند 40)؛

3. ارتقای نقش مدیریتی ایران در توزیع و ترانزیت انرژی در منطقه (بند 41)؛

4. تقویت تعامل فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی با جهان به ویژه حوزه تمدن اسلامی ایرانی (بند - 42)؛

5. گسترش همه‌جانبه همکاری با کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا در تجارت، سرمایه‌گذاری و فناوری (بند 30)؛

6. تأکید بر راهبرد توسعه صادرات به ویژه در بخش خدمات با فناوری بالا (بند 29).

یکی از ارکان منطقه گرایی، تلاش برای تشکیل نهادهای تصمیم گیرنده منطقه ای و فراملی است که در هیچ یک از سه سند مورد نظر، اشاره ای به ضرورت تشکیل چنین نهادهای منطقه ای نشده است؛ مگر در بند 31 برنامه چهارم که غیرمستقیم به این موضوع اشاره کرده است :

« تلاش برای تبدیل مجموعه کشورهای اسلامی و کشورهای دوست منطقه به یک قطب منطقه ای اقتصادی، علمی، فناوری و صنعتی »

بنابراین میتوان گفت بر منطقه گرایی به طور جدی تأکید نشده است. همچنین در حیطه عمل، این اسناد بیشتر بر حوزه های اقتصاد، تجارت و امنیت اشاره دارد و سایر حوزهها ( محیط زیستی، اجتماعی و فرهنگی ) را در نظر نگرفته است (قهرمانپور، 1388)

در حالی که نومنطقه گرایی، تمامی این ابعاد را در بر دارد.

# درباره ابعاد نومنطقه گرایی

► نومنطقه گرایی دارای ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... است که هر یک از این عوامل میتواند

زمینه ساز نومنطقه گرایی شود، اما در این میان شاید بتوان بعد فرهنگی را برای ایجاد نومنطقه گرایی از همه مهمتر دانست.

► در واقع، اگر ارزشهای مشترک، از طریق همپوشی هویت های ملی و منطقه ای اعضا استحکام یابد، میتواند در

متعادل شدن تحمیل جهانی سازی فرهنگی مؤثر باشد.

► همچنین امنیت منطقه ای، بعد دیگری برای ایجاد نهادهای منطقه ای است. هرچند باید توجه داشت که گرچه ساختارهای مناسب، پیش شرطی اساسی برای منطقه گرایی در جهت دستیابی به امنیت مشترک است، اما سازگاری سیاست های اقتصادی دولت های واقع در یک منطقه، بستری مناسب برای استمرار اتحادیه های امنیتی دفاعی به شمار میرود.



این منطقه گرایی در قبال بحران های اقتصادی بین المللی دچار خسارت های کمتری میشود یا حداقل به سرعت میتواند جراحات های وارده را ترمیم کند ( کامران و کریمی پور ، 1381 )

**بعد دیگر نومنطقه گرایی، محیط زیستی است.** مناطق زیستی، خصوصیات جغرافیایی، طبیعی و زیستی مشترکی دارند که وجه تمایز یک منطقه از مناطق اطراف آن به شمار میرود؛ بنابراین مدیریت و برنامه ریزی مناطق، لزوماً نباید بر حسب تقسیمات سیاسی و اداری انجام شود؛ بلکه میتواند بر اساس تقسیمات محیط زیستی نیز باشد. انسجام و همبستگی اجزای این مناطق زیستی، بسیار شدیدتر و منطقی تر از هرگونه انسجام مصنوعی ناشی از تقسیمات سیاسی و اداری است ( مطوف، 1376 ).

این منطقه گرایی زیستی، پس از مدتی، خود موجب ایجاد وحدت اجتماعی و اقتصادی آن منطقه میشود و نومنطقه گرایی را در همه ابعاد شامل خواهد شد.

➤ بعد دیگر نومنطقه گرایی، امنیت است که هم سبب برقراری آرامش و امنیت در مرزها و هم موجب استفاده از مزیت های نسبی و پتانسیل های منطقه ای میشود. بر اساس نگرش قائل به تقدم توسعه بر امنیت، هرگونه ایجاد امنیت در مناطق مرزی منوط به بهبود شرایط توسعه یافتگی مناطق است.

➤ کشورهای که این دیدگاه را به کار میگیرند، معمولا توسعه یافته تر از سایر کشورهای همجوار خود هستند و از درآمد سرانه بالاتری نیز برخوردارند.

➤ در مقابل، کشورهای همجوار، فاقد این ویژگی ها هستند؛ بنابراین نتایج توسعه نیافتگی آن ها وارد کشور توسعه یافته تر میشود.

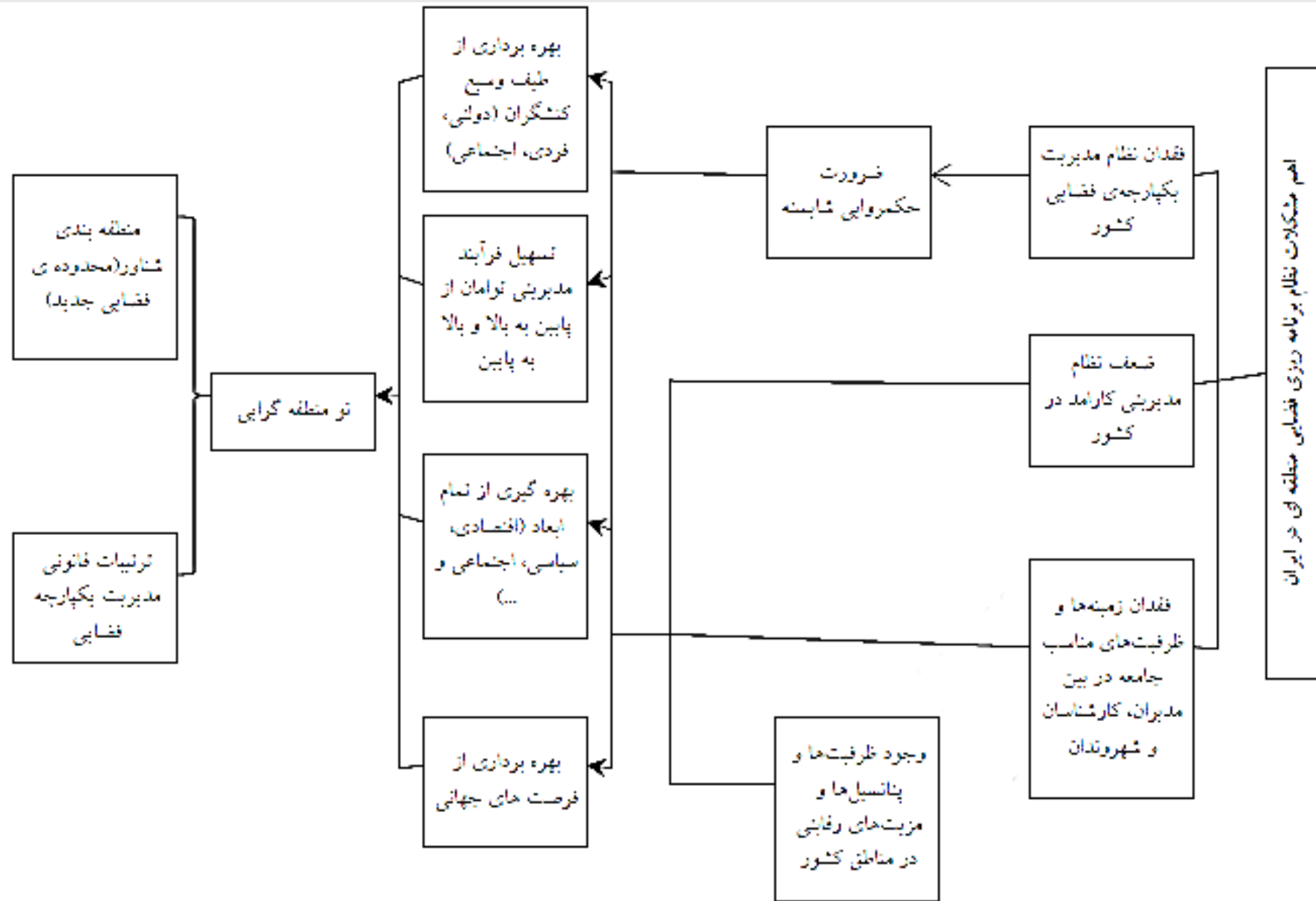
➤ بر این اساس کشورهای توسعه یافته تر با برقراری مقررات ویژه اقتصادی در کمر بند حاشیه ای و با ایجاد اشتغال و تجارت، با مقررات تسهیلی از هجوم نا امنی کشور کمتر توسعه یافته به کشور خود جلوگیری میکنند.

➤ در مقابل، نیروهای جویای کار کشور همسایه، در همان منطقه به فعالیت اقتصادی و کسب درآمد میپردازند و در گذر زمان، آن مناطق نیز توسعه مییابند.

➤ به طور نمونه میتوان از کشورهای آمریکا و مکزیک با مرز طولانی بیش از 3100 کیلومتر نام برد ( عزتی و دیگران، 1390 )

➤ ایران نیز میتواند برای برقراری امنیت و آرامش در مناطق مرزی خود با کشورهای همسایه که با تهدید امنیتی و همچنین مهاجرت آن ها روبه روست، از این رویکرد استفاده کند. همچنین با توجه به استفاده از مزیت های رقابتی و پتانسیلها و فرصتهای فراملی، برای مثال فضای سرزمین ایران و ترکمنستان نیز، مکمل های ژئوپلتیکی هستند و با توجه به همسایگی و پیوستگی قوم ترکمن ایران با ترکمنستان، وابستگی ترکمنستان به آب ایران، عدم دسترسی ترکمنستان به آبهای آزاد نیز میتواند زمینه های لازم برای نومنطقه گرایی را ایجاد کند (عزتی و دیگران، 1390)

➤ همچنین میل به توسعه پایدار و حفاظت محیط زیست، عواملی بخشی نیستند که بتوان آنها را در قالب مرزبندی های سیاسی، به یک کشور یا یک استان و شهرستان محدود کرد؛ بلکه لازم است سیاستهای لازم برای آن با توجه به ماهیت آن که نیازمند سیاست گذاری یکپارچه است، فارغ از تقسیمات سیاسی، در قلمرو طبعی، مورد نیاز اتخاذ شود



مدل مفهومی نو منطقه گرایی - مأخذ: نگارندگان

## با توجه به مطالعات مفاهیم منطقه گرایی نوین و همچنین مشکلات مربوط به نظام مدیریت فضایی در ایران :

1. منطقه گرایی نوین بر خلاف منطقه گرایی قدیم از بالا به وسیله دولت ها یا ابر قدرت ها تحمیل نشده و از ضرورت های تغییر نا پذیر و جبری ساختاری پیروی نمی کند .  
➤ در صورتی که نظام برنامه ریزی فضایی ایران از بالا به پایین و این برنامه ساختاری جبری و تحمیل گونه دارد .
2. منطقه گرایی نوین تمرکز بر حفظ محیط زیست و حفظ توسعه پایدار داشته و بر این اساس تکیه بر یک منبع و ستیز در منابع محدود منطقه را منع کرده  
➤ در صورتی که نظام برنامه ریزی فضایی در عمل بر منبع محدود تمرکز داشته و همچنین حفظ توسعه پایدار شعار نوشتاری بیش نبوده

3. منطقه گرایی نوین تمرکز بر تقویت پیوند های ارگانیک مراکز زیست و فعالیت دارد بدین معنا که منطقه ای با حفظ تعادل سکونت و فعالیت ، بدون رخداد مهاجرت از سایر سکونتگاه ها به محل فعالیت و به وجود آمدن مشکلات ناشی از مهاجرت همانند : ایجاد سکونت غیر رسمی ، فقر ، بزهکاری و ...

► در صورتی که نظام برنامه ریزی فضایی ایران نتوانست این تعادل در مراکز زیست و فعالیت را ایجاد و حفظ کند و اکنون شاهد مهاجرت های روستاها به کلانشهرها و خالی شدن روستاها و از بین رفتن پتانسیل های روستاها و همچنین ایجاد سکونتگاه های غیر رسمی ، فقر ، ایجاد شغل های کاذب ، بزهکاری ، دستفروشی در ابعاد گسترده در فضاهای عمومی هستیم .


4. منطقه گرایی نوین تاکید بر ارتباط پایدار و چند وجهی دولت ها و ملتها با جوامع دیگر دارد .

► در صورتی که برنامه ریزی فضایی و منطقه ای در ایران به سطح واقعی خود در ابعاد کشور پیدا نرسیده است .

5. امنیت منطقه ای از ابعاد مهم منطقه گرایی نوین می باشد که هم سبب برقراری آرامش و امنیت در مرزها و هم موجب استفاده از مزیت های نسبی و پتانسیل های منطقه ای میشود.

بر اساس نگرش قائل به تقدم توسعه بر امنیت، هرگونه ایجاد امنیت در مناطق مرزی منوط به بهبود شرایط توسعه یافتگی مناطق است. و کشور هایی که این دیدگاه را به کار می گیرند ، توسعه یافته تر از کشور های همجوار خود هستند .

▶ ایران نیز میتواند برای برقراری امنیت و آرامش در مناطق مرزی خود با کشورهای همسایه که با تهدید امنیتی و همچنین مهاجرت آن ها روبه روست، از این رویکرد استفاده کند. همچنین با توجه به استفاده از مزیت های رقابتی و پتانسیلها و فرصتهای فراملی، برای مثال فضای سرزمین ایران و ترکمنستان نیز، مکمل های ژئوپلتیکی هستند و با توجه به همسایگی و پیوستگی قوم ترکمن ایران با ترکمنستان، وابستگی ترکمنستان به آب ایران، عدم دسترسی ترکمنستان به آبهای آزاد نیز میتواند زمینه های لازم برای نومنطقه گرایی را ایجاد کند



با به وجود آوردن شرایط و بسترهای قانونی و مالی مناسب،  
نهادسازی های نوین  
و منطقه بندی شناور در تقسیمات نوین کشوری،  
میتوان مدیریت یکپارچه توسعه فضایی در مناطق را ایجاد کرد.

► به کارگیری رویکرد منطقه گرایی نوین به حل مشکلات ناشی از کمبود یا عدم استفاده بهینه از منابع کمک خواهد کرد.



# مشکلات نظام مدیریت فضایی ایران در ۳ زمینه مرتبط با ظرفیت های مناسب در بین

1. مدیران ، کارشناسان و شهروندان

2. نظام مدیریتی کشور ( مدیریت و برنامه ریزی فضایی و بخشی

3. مدیریت یکپارچه فضایی

نظام مدیریت فضایی ایران فاقد یکپارچگی و در نتیجه کارایی و هماهنگی لازم است .  
رفع این کمبود با چالش هایی در زمینه 1 . وجود ظرفیت های مناسب در میان مدیران ، کارشناسان و شهروندان 2. در نظام مدیریتی کشور ( مدیریت و برنامه ریزی فضایی و بخشی ) و 3. مدیریت توسعه فضایی رو به روست که به نارسایی هایی در توسعه متعادل منطقه ای منجر شده است که خود ، به رویکردی مناسب و همچنین به کارگیری و تقویت مزیت های رقابتی مناطق کشور و نیز بهره برداری بهینه منابع نیازمند است .

همچنین هنگامی که منابع سطح ملی کاهش یابد و یا پاسخگوی نیاز های روز افزون جامعه نباشد : ضرورت اتکای بیشتر به منابع منطقه ای آشکارتر و واضح تر می شود .

## مشکلات و چالش های نظام مدیریت فضایی منطقه ای در ایران

نبود نظام مدیریت یکپارچه فضایی کشور	ضعف نظام مدیریتی کارآمد کشور (مدیریت و برنامه ریزی فضایی و بخشی)	نبود زمینه ها و ظرفیت های مناسب جامعه در بین مدیران، کارشناسان و شهروندان
-------------------------------------	--	---

مأخذ: نگارندگان

## مشکلات و چالش های نظام مدیریت فضایی - منطقه ای ایران در گروه اول شامل :

1 - نبود فرهنگ برنامه ریزی و برنامه پذیری در سطوح مدیریتی کشور و همچنین بی توجهی به آموزش شهروندان ، مدیران و کارکنان نهاد های خدمات رسان از عوامل مهم ناکارآمدی مدیریت نظام فضایی کشور است .

► پیش از انقلاب نیز طرح ها و برنامه ها با دخالت متمرکز سیاسی به درستی انجام نمیشد

► کارشناسان ارشد گروه مشاوره هاروارد درباره این موضوع به این جمع بندی رسیدند :

► سیاست ایرانی ، ضد برنامه ریزی است و کوشش برنامه ریزی کلاسیک با وضعیت کنونی کار نخواهد کرد .

( صرافی ، ۱۳۷۷ )

➤ ۲- "نظام اطلاعات شهری ناقص و نابهنگام" و "قوانین و مقررات کهنه ، مبهم و ناهمپوشان" ( آخوندی ، ۱۳۸۵ ) از دیگر عواملی است که نظام مدیریت فضایی ایران را با چالش همراه ساخته است .

➤ ۳- " نیروی انسانی ضعیف و ناکارآمد " از دیگر عوامل ناکارآمدی نظام مدیریت فضایی ایران است ( آخوندی و دیگران ، ۱۳۸۵ )  
طرح ها و برنامه های تهیه شده نیز اغلب با تاثیر سلیقه و خواسته های کارفرمای اصلی ، از اهداف اصلی برنامه فاصله میگیرد .  
بی توجهی مشاوران تهیه کننده برنامه نیز به لزوم مشارکت کارشناسان متخصص ، به ضعف و برنامه ها و ایجاد اختلال در مدیریت نظام فضایی منجر می شود . ( سیف الدینی و پناهنده خواه ، ۱۳۸۹ ) .

## گروه دوم مشکلات و چالش های نظام مدیریت فضایی - منطقه ای ایران یعنی نظام مدیریتی کشور ( مدیریت برنامه ریزی فضایی و بخشی ) شامل موارد زیر است :

- 1- " تکیه بر ساختار ها و نهاد های متمرکز و غیر دموکراتیک و بی توجهی به نهاد های عمومی و مدنی " و تداوم رویکرد " برنامه ریزی متمرکز ، بخشی و از بالا به پایین " و تمرکز گرایی سیاسی - اداری " که به آشفتگی در نظام مدیریت فضایی ایران منجر شده است ( لاله پور و دیگران ، ۱۳۹۰ )
- نظام اجرایی کشور ، ماهیتی دوگانه ( دولتی - عمومی و انتصابی - انتخابی ) دارد .
- همچنین به دلیل ساختار متمرکز و یکپارچه دولت ، **نقش مقامات دولتی در اداره امور کشور ، موثرتر و قوی تر است** و نهاد های انتخابی دارای قدرت اجرایی عمدتاً محدود به شهر و روستا هستند .
- در سایر سطوح ، اگرچه نهاد های انتخابی وجود دارند ، اما اقتدار موثری ندارند که از جمله آن می توان به نبودن قوه اجرایی متناظر برای آنها و انتخاب غیر مستقیم از سوی شورا های فرودست اشاره کرد ( آخوندی و دیگران ، ۱۳۸۶ ) .

► طرح های منطقه ای در سطوح میانی ( ناحیه ای و شهرستان ) عمدتاً ماهیت بین بخشی و فضایی دارند ؛ در حالیکه پس از تهیه ، به دستگاه های بخشی مربوط ابلاغ شده اند و اغلب به دلیل نبود ظرفیت و قوانین الزام آور برای اجرا و نظارت بر آنها توسط سازمان هایی همچون راه و شهرسازی ، فرمانداری ها و استانداری ها ، اغلب در اجرا با شکست مواجه شده اند .

► ۲- از دیگر ضعف های نظام مدیریتی فضایی ایران " منابع مالی محدود ، ناپایدار و نامطمئن مدیریت های محلی " است ( آخوندی و دیگران ، ۱۳۸۵ ) . ساختار تاریخی دولت های متمرکز در ایران از یک سو ، و تکیه بر درآمد نفت از سوی دیگر ، سبب شده است تا نظام مدیریت و برنامه ریزی کشور ، منابع گوناگون محلی را نادیده بگیرد و بر تک محصول نفت ، به شدت متکی شود . در چنین وضعیتی ، برنامه ریزان خود را بی نیاز از مطالعه و به کارگیری منابع محلی در فرآیند توسعه کشور می بینند ( مطوف ، ۱۳۷۶ ) .

## گروه سوم مشکلات نظام مدیریت فضایی - منطقه ای ایران ( نظام مدیریت فضایی ) شامل :

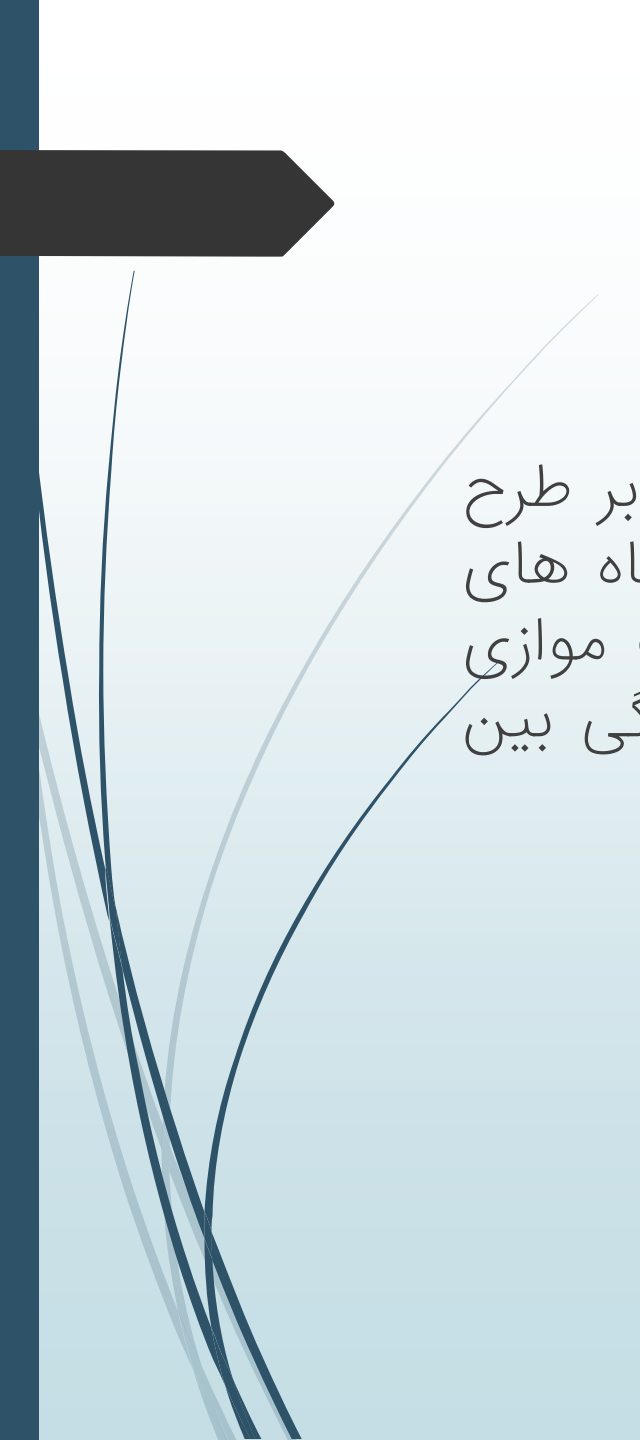
➤ ۱- یکی از چالش های نظام مدیریت فضایی - منطقه ای ایران ، " نبود هماهنگی بین طرح و برنامه های توسعه فضایی با تقسیمات سیاسی " است .

➤ این ناهماهنگی در دوره هایی به اجرا نشدن برخی از طرح و برنامه ها منجر شده است ( سیف الدینی ، پناهنده خواه ، ۱۳۸۹ ) . " ناهماهنگی بین سازمان ها و نهاد های سیاست گذاری ، تصمیم گیری و اجرایی متعدد " از دیگر چالش های نظام مدیریت فضایی منطقه ای است .

برخی از محققان حوزه کلان شهری ، به وجود آمدن چالشی چون تفرق سیاسی ( به معنای وجود هم پوشی قلمرو های مدیریتی و حکومتی متعدد ) را ناشی از بسط و توسعه فرآیند شهرنشینی یا همان مسئله مقیاس مناطق کلان شهری می دانند ( آخوندی و دیگران ، ۱۳۸۶ ) .

از این رو عدم انطباق قلمرو سازمانی حکومتی محلی با قلمرو عملکردی شهر - منطقه ها را می توان عمده ترین چالش در اداره و حاکمیت مناطق شهری دانست ( لفور ، ۲۰۰۱ ، به نقل از آخوندی و دیگران ، ۱۳۸۶ ) .

این انطباق نداشتن موجب به وجود آمدن مشکلاتی در زمینه هایی همچون حمل و نقل ، پراکنده رویی ، برنامه ریزی استراتژیک و حفاظت زیست محیطی می شود و بدون رویکرد یکپارچه منطقه ای ، بسیاری از مسائل به جای حل و رفع ، از نقطه ای به نقطه دیگر منتقل خواهد شد .



همچنین " ابهام در جایگاه قانونی مسئولیت و نحوه تهیه و نظارت بر طرح های منطقه ای و آمایشی " و نبود تقسیم کار مشخص بین دستگاه های مربوط و به عبارت دیگر " نبود مدیریت منطقه ای " موجب حرکت موازی دستگاه ها و نهاد های مشمول شده است که نتیجه آن نا هماهنگی بین سازمان ها و ناکارآمدی طرح و پروژه هاست ( شیخی ، ۱۳۸۰ ) .



# نهاد ها و سازمان هایی که با استناد به شرح وظایف و اختیاراتشان در مدیریت فضایی منطقه ای ، عنصر اصلی و کلیدی

محسوب

نهادها و سازمان های مرتبط با مدیریت توسعه فضایی در ایران

سطح	سازمان / نهاد مسئول	وظیفه
سطح ملی	مجلس شورای اسلامی	سیاست گذاری و قانون گذاری
	هیئت دولت	سیاست گذاری و هماهنگی
	شورای عالی شهرسازی و معماری	سیاست گذاری و برنامه ریزی فضایی
	وزارت راه و شهرسازی	سیاست گذاری و هماهنگی اقتصادی و بودجه ریزی
سطح منطقه ای (استان و شهرستان)	وزارت کشور	سیاست گذاری و هماهنگی فضایی - کالبدی
	استانداری	سیاست گذاری و هماهنگی، نظارت و مدیریت فضایی
	شورای برنامه ریزی و توسعه استان	هماهنگی، نظارت و مدیریت فضایی
	معاونت برنامه ریزی استانداری	سیاست گذاری، برنامه ریزی فضایی - اقتصادی، تخصیص بودجه
	سازمان راه و شهرسازی	سیاست گذاری، برنامه ریزی اقتصادی و بودجه ریزی
	سازمان جهاد کشاورزی	برنامه ریزی فضایی - کالبدی
	فرمانداری ها	برنامه ریزی فضایی و مدیریت فضایی
	کمیته برنامه ریزی شهرستان	سیاست گذاری، نظارت و مدیریت فضایی
	کمیسیون ماده ۱۳	تخصیص بودجه و اولویت بندی پروژه ها
	شورای اسلامی شهرستان	کنترل و نظارت نواحی خارج از حریم شهر
سطح محلی	شوراهای اسلامی شهر و روستا	سیاست گذاری، هماهنگی، نظارت و مدیریت فضایی
	شهرداری ها	سیاست گذاری، هماهنگی، نظارت و مدیریت فضایی
	دهیاری ها	مدیریت فضایی - کالبدی و اجرایی
		مدیریت فضایی - کالبدی و اجرایی

وضعیت موجود نظام مدیریت فضایی در زمینه طرح و برنامه‌های توسعه شهری و منطقه‌ای در ایران

سطح مدیریت	تقسیمات سیاسی	عنوان طرح‌های توسعه شهری و منطقه‌ای	محدوده فضایی طرح	چگونگی مدیریت فضایی
سطح ملی	کشور - حکومت مرکزی	طرح جامع سرزمین طرح کالبدی ملی	کل کشور	از طریق رئیس جمهور، هیئت دولت، وزارت‌خانه‌ها و شورای عالی استان‌ها
سطح منطقه‌ای	استان	طرح‌های کالبدی منطقه‌ای آمایش استان	یک یا چند استان یک استان	از طریق استانداری، شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان، سازمان‌های دولتی، شورای اسلامی استان
	شهرستان	طرح توسعه و عمران (جامع) ناحیه‌ای	یک یا چند شهرستان	از طریق فرمانداری، کمیته برنامه‌ریزی شهرستان، سازمان‌های دولتی، شورای اسلامی شهرستان
سطح خرد منطقه‌ای	بخش	-	-	از طریق بخشداری‌ها، اداره‌های دولتی و شورای اسلامی بخش
	دهستان	طرح سامان‌دهی فضا و سکونتگاه‌های روستایی	یک یا چند دهستان	از طریق بخشداری و دهداری و سازمان‌های دولتی و شورای اسلامی دهستان
سطح محلی	شهر	طرح مجموعه شهری طرح توسعه و عمران شهر و حوزه نفوذ آن	شهرهای بزرگ و شهرهای اطراف آن‌ها شهر	از طریق فرمانداری و شهرداری و شورای اسلامی شهر
	روستا	طرح‌های هادی روستایی	روستا	از طریق دهیاری و شورای اسلامی روستا

مأخذ: نگارندگان

## نتیجه گیری

► با توجه به ماهیت نومنطقه گرایی که بر همکاری با وجود تقسیمات سیاسی متفرق فضایی در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی و سیاسی تأکید دارد، میتوان از آن در دو سطح بین المللی و همچنین ملی برای غلبه بر کاستی های ناشی از چندپارگی در توسعه منطقه ای کشور استفاده کرد.

► در این رویکرد، با تکیه بر مزیت های رقابتی مناطق کشور میتوان سبب فرهنگ سازی و ظرفیت سازی تدریجی در بین مدیران، کارشناسان و شهروندان، برای برنامه ریزی و تکامل نظام مدیریتی کشور شد. البته در این گذار، برقراری حکمروایی شایسته، عامل تعیین کننده ای در بروز تمامی ظرفیت ها در این رویکرد خواهد شد.


► نکته حائز اهمیت اینکه برای استفاده از این رویکرد در سطح بین المللی، ابتدا لازم است جهت آمادگی و آشنایی کامل و بسترسازی لازم، آن را در سطح کشور و بین

بدین منظور، میتوان با توجه به مشکلات و امتیازات مناطق مختلف کشور، در یک یا چند منطقه به صورت ویژه یا شناور، رویکرد نومنطقه گرایی را با رویکرد تلفیقی هدف محور و مشکل محور به کار گرفت. البته به موازات آن لازم است قوانین و مقرراتی جهت تفویض اختیارات اداری سیاسی و تأمین منابع مالی لازم به این مناطق وضع شود تا بسترهای مناسب، برای اجرای هرچه بهتر این رویکرد فراهم شود و توسعه مناطق کشور به شکلی متعادل و متوازن صورت پذیرد.

در این راستا، میتوان این روند را با ایجاد برنامه ای گام به گام و با استفاده از ظرفیت های قانونی کنونی و همکاری های داوطلبانه لازم بین نهادها و بخش های مربوط در مناطق آغاز کرد و در گام های بعدی با ایجاد بسترهای قانونی و مالی مناسب، نهادسازی های نوین و منطقه بندی شناور در تقسیمات نوین کشوری، مدیریت یکپارچه توسعه فضایی در مناطق را ایجاد کرد.

به کارگیری رویکرد نومنطقه گرایی به حل مشکلات ناشی از کمبود یا عدم استفاده بهینه از منابع و ایجاد مزیت های رقابتی کمک خواهد کرد.

1. Akhundi, A., Barakpur, N., Taherkhani, H., Asadi, A. and Basirat, M., 2006, **Political and Management Fragmentation at Tehran Metropolitan Area Administration: Implications and Strategies**, Second seminar in the capital construction. *(In Persian)*
2. Akhundi, A., Barakpur, N., Taherkhani, H., Asadi, A. and Basirat, M., 2007, **Tehran City-Region Governance: Challenges and Trends**, Honar-Ha-Ye-Ziba, No. 29. *(In Persian)*
3. Akhundi, A. and Barakpur, N., 2010, **Strategies to Establish Governance System in the Metropolitan Area of Tehran**, Strategy quarterly, Vol. 19, No. 57. *(In Persian)*
4. Alizade Aghdam, A., Abbas zade, M., Kuhi, K. and Mokhtari, D., 2013, **Urban Institutions and Citizen Participation in Urban Management (Case Study: Isfahan)**, Human Geography Research Quarterly, vol. 45, No. 2. *(In Persian)*
5. Asgari, et al., 2004, **Planning of Metropolitan Management System in Iran**, Institute of Economics, Tarbiat modarres University, center for urban planning studies, vol.2. *(In Persian)*
6. Amin .s, 1995, **Regionalization in Response to Polarizing Globalization in Hettne and Inotai (eds)**.

- 
7. Arabshahi, Z., 2004, **Fourth Plan Under the Lens of Good Urban Governance**, Municipal, No. 69. *(In Persian)*
  8. Athari, K., Barakpur, N, Kazemian, G. and Mehdizade, J., 2007, **Urban Governance: Theoretical Basis and Necessity of Its Formation in Iran (Discuss)**, Jostarhaye Shahrsazi quarterly, Vol. 6, No. 19-20. *(In Persian)*
  9. Barakpur, N., 2006, **Urban Governance and Management System of Cities in Iran**, Conference on urban planning management. *(In Persian)*
  10. Brenner. N., 2003, **Metropolitan institutional reform and the Rescaling of state space in contemporary Western Europe**, European urban and regional studies, 10 (4).
  11. Buzan, B. and Waever, O., 2003, **The Structure of International Security, Regions and Powers**, Cambridge: Cambridge University Press.
  12. City- Regions in Alleng. **Scott, Slobal city- region: Trends, Theory, Policy**, Oxford Press.
  13. Damanpak, J., 2007, **Asian common house convergence**, Citizen Diplomacy, No.16. *(In Persian)*